

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Scientific

علمی

بازتاب توسط: لاله - هوادار سازمان انقلابی افغانستان

۱۳ نومبر ۲۰۱۱

## سوسیالیسم ما قبل مارکسیسم

سوسیالیسم ما قبل مارکسیسم محصول شرایط اقتصادی و اجتماعی خاصی از تکامل جوامع اروپای غربی بود. ادبیات سوسیالیستی که در دوره اضمحلال فیودالیسم و تکوین سرمایه داری در اروپا پدیدار گشت یا از منافع بقایای عوامل زیر بنائی و روبنائی در حال زوال جامعه دفاع می کردند - و بنابر این ارتجاعی بودند - و یا از منافع بورژوازی در حال رشد به دفاع بر می خاستند و بدین ترتیب محافظه کار و بورژوائی بودند (خصلت محافظه کارانه ای که با رشد تضاد نو ظهور و آنتاگونیستی میان پرولتاریا و بورژوازی به تدریج ارتجاعی می گردید)، و بالاخره یا مدافع منافع پرولتاریای نو خاسته و ترجمان خواست های این طبقه و بنابر این انقلابی بودند.

"سیستم های اصلی سوسیالیستی و کمونیستی" در اواخر قرن ۱۸ و قبل از پیدایش مارکسیسم در اروپا پدیدار گردیدند. سیستم "سن سیمون"، "فوریه" و "اؤن"... در دوران اولیه رشد پرولتاریا و تکامل سرمایه داری یعنی زمانی که مبارزه بین پرولتاریا و بورژوازی رشد نیافته بود به وجود می آید. بنیانگذاران این سیستم ها یعنی سوسیالیست ها و کمونیست های تخیلی (اوتوپییائی) متقدمین و بانیان سوسیالیسم علمی (مارکس و انگلس) به شمار می آیند. تیوری ها، نظرات، پیشنهادات و نسخه های اجتماعی سوسیالیست های تخیلی در حقیقت نتیجه موقعیت تاریخی و سطح نازل تولید سرمایه داری و وضع طبقاتی نابالغ آن زمان بود. ضعف و ناتوانی سوسیالیست های تخیلی در این بود که آنان به علت شکل نارس مبارزه طبقاتی و به علت همچنین زندگانی خود، از دریافت و درک مسایل زیر عاجز بودند:

- ✓ درک اینکه رهائی بشریت در دورانی که تضاد بین بورژوازی و پرولتاریا در شرف تبدیل به تضاد عمده است، در درجه اول منوط به رهائی پرولتاریا از بند نظام سرمایه داری است.
- ✓ درک این مسأله که رهائی پرولتاریا از یک طرف منوط است به وجود شرایط مادی نجات این طبقه (رشد نیرو های مؤلده، کار اجتماعی...) و از طرف دیگر به تشکل پرولتاریا به صورت یک طبقه و بنابرین به صورت یک حزب سیاسی.

✓ درک این مسأله که برای اصلاح واقعی و دگرگونی جامعه باید بر روی فعالیت اجتماعی و "اقدام سیاسی و به ویژه انقلابی" طبقه کارگر تکیه نمود: "به همین جهت آنان هر اقدام سیاسی و به ویژه انقلابی را طرد می نمایند و بر آنند که از طریق مسالمت آمیز به هدف خود دست یابند و در کوشش اند تا به کمک آزمایش های کوچک و البته بی نتیجه و به زور مثال و نمونه راه را برای انجیل اجتماعی خویش هموار سازند."<sup>۱</sup>

پایه گذاران سوسیالیسم قبل از مارکسیسم می خواستند راه حل مسایل اجتماعی را که هنوز در بطن مناسبات اقتصادی تکامل نیافته نهفته بود از مغز های خود بیرون آورند. آنها قادر به درک این اصل ماتریالیسم تاریخی نبودند که "از نظر تاریخی غیر ممکن است که یک مرحله تاریخی پائین اقتصادی بتواند مشکلات و تصادماتی را حل کند که تازه در مرحله بالاتری از تکامل می توانند بوجود آیند."<sup>۲</sup>

"بدین جهت سوسیالیست های تخیلی اگرچه تضاد ها و نابه سامانی های دوران اولیه جامعه سرمایه داری را مشاهده می کردند و شدیداً آنها را محکوم می کردند ولی "رفع این نابسامانی ها را در عقل متفکر می دیدند."<sup>۳</sup>

"سوسیالیسم برای آنان بیان حقیقت مطلق عقل و عدالت بود و تنها کافی بود کشف شود تا با نیروی خود دنیا را به تسلط خویش در آورد."

"باید نظام اجتماعی نو و کاملی اختراع می شد و چنین نظامی می بایستی از خارج، از طریق تبلیغات و حتی الامکان از طریق نمونه های آزمایشی به جامعه تحمیل می گردید."

"برای آنان سوسیالیسم سیستمی بود که کافی بود به آن پی برده شود تا از طرف همگان تصدیق شود که این سیستم بهترین نقشه برای بهترین جامعه ممکنه است."<sup>۴</sup>

مارکس و انگلس سوسیالیسم تخیلی را مورد انتقاد دیالکتیکی و ریشه ئی قرار دادند. آنها با دو کشف بزرگ (بینش ماتریالیستی تاریخ و راز تولید سرمایه داری) سوسیالیسم ماقبل خود را به یک آموزش (دکترین) سوسیالیستی علمی تبدیل نمودند. آنها سوسیالیسم را برای نخستین بار با جنبش کارگری امتزاج دادند و بدین طریق تیوری راهنمای عمل پرولتاریا، این گورکن نظام سرمایه داری و سازمان دهنده جامعه کمونیستی آینده، را تدوین نمودند.

\*\*\*\*

بر گرفته از کتاب مبانی و مفاهیم مارکسیسم

<sup>۱</sup> - مارکس و انگلس: "مانفیسٲ حزب کمونیست:

<sup>۲</sup> - انگلس: "موخره بر مسایل اجتماعی روسیه"

<sup>۳</sup> - انگلس: "انٲی دورینگ"

<sup>۴</sup> - انگلس: "انٲی دورینگ"